بيانات در ديدار خانواده‌هاي شهداي هفتم تير و مكه‌ي مكرمه و ديگر اقشار مختلف مردم - 6 /تير/ 1369

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
انا‌لله و انا‌اليه راجعون
اين روزها براي ملت ايران، روزهاي مصيبتهاي بزرگ است. چه مصيبتهايي كه در سالهاي گذشته، بر اين ملت شجاع و ايثارگر و مظلوم واقع شد، مانند مصيبت فقدان شهداي عالي‌قدر هفتم تير; آن عزيزاني كه هركدام در انقلاب، شخصيت ممتازي بودند و شخصيتي مثل شهيد مظلوم، مرحوم آيه‌الله بهشتي (رضوان‌الله تعالي عليه) در ميان آنها بود كه حقا سيد شهداي انقلاب اسلامي است و چشم و چراغ اين انقلاب و اين ملت بود، و چه شهداي مظلوم و كبوتران خونين‌بال حريم امن الهي در مكه كه باز اين روزها، يادآور مظلوميت و مصيبت آنهاست. اينها يادهاي گذشته است كه البته فراموش‌نشدني است.
اين روزها هم مصيبت بزرگ زلزله ـ اين امتحان دشوار الهي ـ براي ملت ايران پيش آمد كه حقيقتا داغ كودكان و زنان و مردان و نفوس طيبه‌يي كه در اين حادثه از بين رفتند، خانمانهايي كه ويران شد و آرزوهايي كه بر باد رفت، از ياد اين ملت زدوده نخواهد شد. مصيبت زلزله، حقيقتا مصيبت بزرگي است. در يك لحظه، دهها هزار انسان كشته شدند و دهها هزار خانواده داغدار گرديدند و انسانهاي بي‌شماري، بي‌خانمان شدند. چه‌قدر افرادي بودند كه در اين مصيبت، از خانواده‌ي خود، برادراني، خواهراني، پدر و مادري، فرزنداني و عزيزاني را از دست دادند. اينها مصيبتهاي الهي است. اينها حوادث تلخ زندگي است. اينها، حوادثي است كه عواطف انساني را متأثر مي‌كند، دلها را مي‌سوزاند، براي انسانها غم به‌وجود مي‌آورد و احساسات را جريحه‌دار مي‌كند.
تقريبا همه‌ي انسانها، در اين جهت مثل هم هستند كه اين‌طور حوادث، دلها و عواطف آنها را جريحه‌دار مي‌كند و تحت تأثير قرار مي‌دهد; اما انسانها از لحاظ فهم اين حوادث، با هم متفاوتند. زلزله را همه مي‌بينند، تلخي آن را حس مي‌كنند، مصيبت را با وجود خودشان لمس مي‌نمايند; اما خيليها حادثه را درست نمي‌فهمند، درس نمي‌گيرند، از حادثه منتفع نمي‌شوند و استفاده نمي‌كنند; ولي بعضيها از حادثه استفاده مي‌كنند و از آن درس مي‌گيرند. تلخي، براي آنها هم هست; اما اين تلخي، با آن تلخي متفاوت است. اين‌طور حوادث، براي بعضي زهر و سم است; ولي براي بعضي داروي تلخ است. در هر دو مورد، تلخي هست; اما بعضيها حادثه را طوري مي‌فهمند و به گونه‌يي با آن برخورد مي‌كنند كه براي آنها سم قاتل مي‌شود. بعضيها هم اين حادثه را طوري مي‌فهمند و طوري با آن برخورد مي‌كنند كه براي آنها دواي درمانبخش مي‌شود; اگرچه باز هم تلخ است.
اسلام به ما تعليم مي‌دهد كه اين حوادث چيست. يا بهتر بگوييم، اسلام به ما تعليم مي‌دهد كه با حوادثي از اين قبيل، چگونه بايد رفتار كرد و چه‌طور بايد با آنها روبه‌رو شد. فرق نمي‌كند، هم حوادث تلخ طبيعي ـ مثل زلزله، سيل و از اين قبيل ـ و هم حوادث تلخي كه به وسيله‌ي انسانها به‌وجود مي‌آيد ـ مثل جنگها، قتل‌عام‌ها، كشتارها ـ حوادث است. اسلام، همه‌ي اين حوادث را با يك ديد نگاه مي‌كند. "و ما ارسلنا في قريه من نبي الا اخذنا اهلها بالباساء والضراء": ما همه‌ي كساني را كه به رسالت الهي مخاطب شدند و بار مسؤوليت بر دوششان قرار گرفت، با اين‌گونه حوادث مواجه مي‌كنيم. هم با حوادثي از قبيل جنگ ـ حوادثي كه به دست انسانها به‌وجود مي‌آيد ـ و هم با حوادث طبيعي، مثل گرسنگيها، مرگ و ميرها و از اين قبيل مواجه مي‌كنيم. چرا؟ "لعلهم يضرعون". اين حوادث، بايد انسان را به خدا نزديك و آشنا كند و دل او را به خدا متوجه نمايد. در آيه‌ي سوره‌ي انعام هم همين‌طور خداوند متعال خطاب به نبي‌اكرم مي‌فرمايد كه قبل از تو، همه‌ي اين امتها و جمعيتهايي كه دين بر آنها نازل شد و مسؤوليت بر دوش آنها قرار گرفت، با اين‌گونه حوادث مواجه شدند.
اين حوادث، امتحان و ابتلاست. امتحان، بدين معنا نيست كه يك آزمايش است تا خدا ما را بشناسد; يا يك آزمايش است كه ما خودمان، خودمان را بشناسيم ـ هيچ‌كدام از اينها نيست ـ بلكه امتحان، عبور از يك مرحله و مواجه شدن با يك بار سنگين است. امتحان، يك گردنه در يك مسير است. يا شما از اين گردنه عبور خواهيد كرد،

يا پشت گردنه خواهيد ماند; از اين دو حال، خارج نيست. مصايب دنيا، در حكم بارهاي سنگيني است كه بر دوش شما قرار مي‌گيرد. يا اين بار را بلند خواهيد كرد ـ اين بار، كمر شما را نخواهد شكست ـ يا زير اين بار، درمي‌مانيد و عاجز مي‌شويد. از اين دو حال، خارج نيست. خداي متعال، امتحانها را بر سر راه افراد و ملتها قرار مي‌دهد، تا اين ملتها اين بارها را بردارند، از اين گردنه‌ها عبور كنند و به اين وسيله، به مقامات عالي برسند و در جايگاه شايسته و مناسب خود قرار بگيرند. به حوادث، با اين ديد نگاه كنيد.

وقتي حادثه‌ي زلزله براي كشور و ملتي پيش مي‌آيد، اين ملت با اين حادثه چگونه برخورد خواهد كرد؟ يا همه‌ي آحاد ملت، از اين گردنه‌ي سخت عبور مي‌كنند و اين داروي تلخ را مي‌نوشند، يا پشت اين گردنه مي‌مانند. اين، سرنوشت‌ساز است. اگر از اين گردنه، بسلامتي عبور كرديد، برنده هستيد و به سرمنزل خواهيد رسيد. اگر شما كه مصيبت‌زده‌ي حادثه هستيد، توانستيد صبر كنيد; دل را به خدا متوجه نماييد; از خدا پاداش بخواهيد; با ذكر و ياد الهي، مصيبت را بر جان و قلب خود گوارا كنيد; شما كه خانه و كاشانه‌تان، در اين حادثه ويران شده است، اگر توانستيد همت كنيد، تا با عزت و كرامت، اين خانه را دوباره بسازيد; زندگي را به راه بيندازيد; از اين حادثه، درس عبرت بگيريد; به قدر لازم، محكم‌كاري بكنيد; از اين گردنه، بسلامت عبور كرده‌ايد.

اگر شما ملت ـ كه اين حادثه در ميانتان اتفاق افتاده است ـ توانستيد تعاون و همكاري كنيد، مهرباني و دلسوزي كنيد، از مال و نيروي بازويتان استفاده كنيد، با نظم و انضباط و سرعت و چابكي و فداكاري، به ياري همنوعانتان بشتابيد و مصيبت را بر مصيبت‌زدگان هموار كنيد، از اين گردنه بسلامتي عبور كرده‌ايد. اگر اين حادثه موجب بشود كه از آن درس بگيريم، خودمان را مجهز كنيم، روشهاي مقابله‌ي با حوادث طبيعي را ياد بگيريم و به كار ببنديم; از اين گردنه بسلامتي عبور كرده‌ايم، از آن درس گرفته‌ايم و سود برده‌ايم.

اما اگر خداي نكرده، حادثه‌يي مثل زلزله، موجب بشود كه ما مأيوس بشويم، از كار وامانده بشويم، به ياري همنوعانمان نرويم، از حادثه درس نگيريم، چشم به كمك ديگران بدوزيم، بنشينيم تا ديگران براي ما كار بكنند ـ چه ديگراني از ميهن خودمان، چه ديگراني از ساير نقاط عالم ـ اگر اين حادثه، به ما و به مصيبت‌زده، تنبلي و بددلي و عدم تحرك لازم ببخشد، از اين حادثه ضرر كرده‌ايم و اين حادثه به ضرر ما تمام شده است. بعضي از ملتها، از حوادث تلخ، نردباني براي صعود و عروج مي‌سازند. بعضي از ملتها، در حوادث شيرين هم، گاه لغزش پيدا مي‌كنند و سقوط مي‌كنند. اينها همه درس است. اين درسي است كه اسلام به ما مي‌دهد.

حوادثي هم كه به وسيله‌ي انسانها تحميل مي‌شود، همين‌طور است. اگر ملت ما، در مقابل حادثه‌يي مثل حادثه‌ي هفتم تير، يا حادثه‌ي فاجعه‌آميز مكه، دل خود را از دست مي‌دادند، خود را مي‌باختند، مأيوس و پشيمان و مرعوب مي‌شدند، يقينا باخته بودند و آن حادثه، سم مهلك مي‌شد. اما وقتي ملتي، در مقابل حادثه‌ي هفتم تير، از خود جرأت و آگاهي و شجاعت نشان داد; زبان گوياي او، دشمن را رسوا كرد; بازوي تواناي او، دشمن را به زانو درآورد; استحكام پايه‌ي نظام را بيشتر كرد و انسجام در ميان ملت پيش آمد، اين ملت برنده است. و ملت ما، در همه‌ي اين حوادث نشان داده كه از آن نوعي است كه خدا اراده كرده و خواسته است. آفرين بر اين ملت!

در آن حوادث تلخ ـ در حادثه‌ي جنگ، در حادثه‌ي هفتم تير، در حادثه مكه و جمعه‌ي خونين ـ و در حوادث گوناگون ديگر، ملت ما نشان داد كه در مقابل حادثه، ذليل نشده است; بلكه بر حادثه سوار شد، از حادثه به عنوان يك درس استفاده كرد، دشمنش را شناخت و فهميد كه استكبار جهاني و نفاق خبيث، تا كجا با اسلام و قرآن و حاكميت اسلامي، معارض و مخالف است. ملت ما، در حوادث گوناگون اين يازده سال، بدون استثنا ايستادگي و مردانگي كرد، آگاهي نشان داد و حادثه را به سود خود تغيير داد.

اين حادثه‌ي زلزله هم، همين‌طور است. الان مردم ما نشان مي‌دهند و ثابت مي‌كنند كه اين حادثه، نمي‌تواند آنها را خاضع و ذليل كند; آنها حادثه را ذليل كرده‌اند. درست است كه در اين حادثه، داغهاي زيادي بر دل ما نشست; درست است كه عزيزاني از دست رفتند و خانواده‌هاي بي‌شماري داغدار شدند; اما حركت ملت ايران، حضور قوي و قاطع نيروهاي ملت در صفوف همكاري و كمك به مصيبت زدگان، براي ملتهاي ديگر يك درس است و نشان دهنده‌ي عظمت ملت ما مي‌باشد.

همان نيروهايي كه در ميدان جنگ بسيج مي‌شدند ـ همان خانواده‌ها، همان جوانان، همان مردان و زنان ـ امروز هم بسيج شده‌اند. امروز هم در اين سطح وسيع زلزله و منطقه‌ي آسيب‌ديده، اينها هستند كه به ياري همنوعانشان شتافته‌اند. من از يكايك آحاد ملتمان تشكر مي‌كنم. از يكايك كساني كه در اين حادثه، به ياري مصيبت‌زدگان شتافتند، عميقا و صميمانه سپاسگزاري مي‌كنم.

البته اين حادثه، آن‌قدر بزرگ بود كه دنيا را به خود متوجه كرد. امروز، موج عظيمي از عواطف انساني در سراسر دنيا، در ميان آحاد مردم، انجمنهاي انساني و سازمانهاي مردمي، به‌وجود آمده است. مردم كشورهاي مسلمان در آسيا و ساير نقاط، به صورت خودجوش احساس مسؤوليت كردند، تا در اين حادثه، به ياري برادران مسلمان عزيزشان بشتابند. دولتهاي بسياري ـ چه اروپايي و چه آسيايي ـ در اين حادثه به كمك ملت ايران شتافتند و احساس عظمتي را كه از ملت ايران، در دلهاي مردم و دولتها و دولتمردان وجود دارد، مجسم كردند.

شما ملت ايران در اين يازده سال، از خودتان احترام زيادي در دلهاي همه‌ي مردم دنيا به‌وجود آورديد. ملتي با اين عظمت، با اين شجاعت و با اين استقلال زندگي بكند، شوخي نيست. والله كه دشمنان شما هم در دل، به عظمت شما اعتراف دارند. وقتي اين ملت بزرگ و شجاع و قهرمان، با حادثه‌ي تلخ بزرگي، اين‌طور روبه‌رو مي‌شود، دنيا تكان مي‌خورد و دولتها و ملتها، در صحنه‌ي مددكاري حاضر مي‌شوند، كه ما از همه‌ي آنها تشكر مي‌كنيم.

البته كمكهايي كه از اطراف دنيا به ملت ايران مي‌شود، در مقابل آن چيزي كه خود ملت و دولت ما انجام داده‌اند و خواهند داد، جزء كوچكي است. خود شما هستيد كه بايد اين ويراني را به آباداني تبديل كنيد. خود شما هستيد كه بايد زندگي را بار ديگر به شكل پرتپش‌تري، در اين مناطق به وجود بياوريد و به زخمهاي مصيبت‌ديدگان، مرهم بگذاريد. كمكهاي انساني ديگران هم، در حقيقت حركت رمزي و يك اظهار ارادت به ملت ايران است.

اميدواريم كه خداوند متعال، اين ملت بزرگ را در مقابل اين حوادث، آبديده‌تر از گذشته بكند. شما ملت عزيز، در حوادث يازده ساله، حقيقتا آبديده شديد. لذا در همين حادثه، چگونگي حضور نيروهاي ما، اين سازماندهي منظم، اين حركت سريع، اين امداد و تعاون ـ كه باز هم بايد ادامه پيدا بكند ـ براي بينندگان خارجي، اعجاب‌آور است. كمك به مناطق زلزله‌زده، نبايد قطع بشود. البته نوع كمك، متفاوت است. در روزهاي اول، نجات جانها، پركردن شكمها و رفع حوايج ضروري مطرح است. هرچه مي‌گذرد، حوايج و نيازهاي آن مردم، شكلهاي ديگر و متنوعتر و انسانيتر و پيچيده‌تري مي‌گيرد و دولت و ملت بايد به اين كمكها ادامه بدهند.

من از دولت محترم جمهوري اسلامي، به خاطر سرعت عملش در اين حادثه، از هلال احمر جمهوري اسلامي، از نيروهاي مسلح، از دستگاههاي مختلف ـ كه خوب حركت كردند و به وقت، خودشان را خوب رساندند ـ و از آحاد مردم بايد صميمانه تشكر كنم. حقيقتا آنچه كه امروز مشاهده مي‌شود، يادآور حضور عظيم و بسيج عمومي مردم در روزهاي جنگ تحميلي است.

اين انقلاب، چون با نام خداست، هميشه با شيطانها مواجه است. چون معتقد به طرفداري از مستضعفان و مظلومان است، هميشه با قلدران و زورگويان و مستكبران، دست‌به‌گريبان است. چون براي ارزشهاي انساني حركت مي‌كنيد، هميشه كساني كه با ارزشهاي انساني مخالفند، از شما ناراضيند. بايد شما آبديده باشيد. بايد شما روحا و قلبا مجهز باشيد.

اين ملت، پرچم عظيمي را در دست دارد. اين پرچمي كه شما به اهتزاز درآورديد، دنيا را بيدار كرده است. ببينيد امروز در فلسطين، چه خبر است. ببينيد در شمال آفريقا، چه خبر است. ببينيد چگونه اسلام در جوامع اسلامي، حق خود را باز مي‌يابد و به دست مي‌آورد. اين كارها را شما كرديد.

در مقابل فرهنگ كفر و استكبار، مسلمين را ضعيف بار آورده بودند كه احساس ضعف مي‌كردند. در جاهايي كه امروز ميليونها مسلمان توانسته‌اند سهم و حقي در حكومتها به دست بياورند، تا قبل از انقلاب اسلامي، كسي جرأت نمي‌كرد دم از اسلام بزند. در اين كشورهاي اسلامي كه امروز ائمه‌ي جمعه و جماعاتشان، تشكيلات به وجود مي‌آورند و مسجدها رونق پيدا مي‌كنند و كانون تحرك مي‌شوند، تا ديروز مسجدها متعلق به يك مشت پيرمرد از كار افتاده بود. امروز آن مسجدها، جاي جوانان و كانون جنبشهاست. اين را شما كرديد. اين را حركت شما و قائد

عظيم‌الشأنتان ـ آن مرد الهي ـ بود كه انجام داد.
براي همين است كه دشمنان اسلام، از شما عصبانيند. "ولن ترضي عنك اليهود و لاالنصاري حتي تتبع ملتهم". تا از اسلام دست برنداريد، دشمنان اسلام با شما مخالفند. منتها نكته‌يي كه در اين‌جاست، اين است كه دشمن مي‌خواهد بگويد اگر من با كسي مخالف بودم، او بايد از بين برود! اين را به ملتهاي ضعيف باورانده بودند. حالا عكسش ثابت مي‌شود و معلوم مي‌گردد كه هر كس با اسلام مخالف است، بايد برود. اسلام جاي خود را در عالم باز كرده است و بازتر هم خواهد كرد. قبل از انقلاب شما، در بعضي از كشورهايي كه امروز مردم آن، پرچم اسلام را بلند كرده‌اند، در ملا عام كسي جرأت نمي‌كرد بگويد من مسلمانم، يا اعمال مسلماني را بجا بياورد و نماز بخواند؛ اما امروز صداي تكبيرشان، فضاي آن كشورها را انباشته است.
استكبار، چه بخواهد و چه نخواهد؛ امريكا، چه بخواهد و چه نخواهد؛ صهيونيسم، چه بخواهد و چه نخواهد، اسلام از نو بيدار شده و اين قهرمان عظيم قرنها، دوباره در وسط صحنه بپاخاسته است. هيچ كاري هم از دست دشمنان اسلام ساخته نيست. اكثر كاري كه مي‌توانند بكنند، اين است كه از حقد و بغضشان، مسلمانان را در حريم امن الهي، به خاك و خون بكشند. بيشتر از اين، چه كار مي‌توانند بكنند؟ حداكثر كاري كه مي‌توانند بكنند، اين است كه ملتي را كه امروز عاشقترين ملتهاي مسلمان به ياد و نام خداست، از زيارت خانه‌ي خدا مصدود و ممنوع كنند؛ كمااين‌كه كردند. بله، دلهاي ما به خاطر محروميت از زيارت خانه‌ي خدا، پر است. قلبهاي ما شكسته و بغض، گلوي ما را گرفته است. اما همين عمل دشمنان اسلام و ايادي و مزدورانشان، باز به عظمت اسلام خواهد انجاميد و مظلوميت ملت ايران، آشكارتر خواهد شد و همين مظلوميت است كه حقانيت ما را ثابت مي‌كند.
جاي ايرانيان، در خانه‌ي خدا و در ايام حج خالي است؛ اما ياد آنها در مناسك حج، غايب نيست. آنهايي كه چند سال قبل، شعار "اللّه‌اكبر" و برائت از مشركان و وحدت امت اسلامي را از شما ياد گرفتند، امروز همان شعارها را تكرار مي‌كنند. اين، نقش ملت ايران است. اين ملت بايد روزبه‌روز، خودش و روحيه و قلب و اراده‌اش را قويتر بكند. اين حوادث زلزله و امثال آن، مي‌تواند وسيله‌ي تقويت اراده‌ي شما ملت بزرگ باشد.
من يك‌بار ديگر، به مصيبت‌ديدگان اين حادثه‌ي عظيم زلزله، تسليت عرض مي‌كنم و از آنها مي‌خواهم كه صبر كنند، به خدا توكل كنند و پاي خدا حساب نمايند. اگر صبر كردند، خدا به آنها پاداش و اجر بزرگ خواهد داد. شما مردم هم اين كمكها را به شكل اتم و اكمل ادامه بدهيد و دولت جمهوري اسلامي، همچنان‌كه بحمداللّه تا امروز، در برنامه‌ريزي و امداد و سرعت عمل و سازماندهي، به شكل عالي عمل كرده است، بعد از اين هم ان‌شاءاللّه به همين ترتيب عمل كند. مواظب باشيد، شيطانهايي در اين بين، در مناطق آسيب‌ديده وجود نداشته باشند كه به انحاي مختلف شيطنت كنند و در ميان مردم، با رهزني و دزدي و ايذا و شماتت و تضعيف روحيه و امثال اينها، انواع مختلف خباثت خودشان را نشان بدهند. قوه‌ي محترم قضاييه آماده باشد، كساني را كه ممكن است در اين مناطق، از مصيبت ديگران، براي خود طرفي ببندند، مجازات و تأديب كند و نگذارد دست به چنين اقداماتي بزنند.
من از همه‌ي شما برادران و خواهراني كه در اين‌جا تشريف داريد؛ بازماندگان شهداي عالي‌قدر هفتم تير، بازماندگان شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان شهرهاي مختلف، برادراني كه براي بزرگداشت ياد شهداي مكه و جمعه‌ي خونين گرد هم آمده‌ايد، برادران سازمان تبليغات، برادران مسجد ابي‌ذر، برادران عزيز قوه‌ي قضاييه و بقيه‌ي جمعيتها و گروهها، تشكر مي‌كنم. اميدوارم كه خداي متعال، همه‌ي شما را مشمول رحمت و تفضل و توفيقات خود قرار بدهد.

والسلام عليكم و رحمةاللّه و بركاته